

دبیران و فرهنگیان از کاهش سواد دانش‌آموزان در مقایسه با دهه‌های قبل می‌گویند

مردم اندر حسرت فهم درست

گروه اجتماعی| این احتمال قابل اثبات نیست که آیا سطح سواد دانش‌آموزان ایرانی به دلیل تاثیرپذیری از شبکه‌های اجتماعی و بیگانگی با مطالعه کاهش یافته یا ممکن است شیوه تدریس و گرایش اجتناب‌پذیر نظام آموزشی به همراهی با اقتضات مدرنیته در این معضل نقش داشته باشد. اما این يك واقعیت است که دانش‌آموز ایرانی دهه اخیر، کم‌سوادتر از همتای خود در دو یا سه دهه قبل است. اقبال اندک خانواده‌ها به مطالعه و سر فرو بردن در گوشی‌های تلفن همراه و دریافت خوراک و اطلاعات تلگرافی بعضا نادرست و غلط و کهنه و تنبلی بصری از حیث مطالعه متون نوشتاری و چاپی و ترجیح به خوانش متن‌های کوتاه 300 یا 400 کلمه‌ای در حدی که روی صفحه گوشی تلفن همراه و به طرفه‌العینی قابل خواندن باشد، تاثیرات سوء بسیاری بر آب رفتن سطح سواد و دانش عمومی دانش‌آموزان ایرانی داشته است. برنامه‌های تبلیغاتی تلویزیون هم که باید برای مطالعه و تعمیق دانش فرهنگسازي کند

كاملا در مسير مخالف حركت مي‌كند؛ كودك و نوجوان در اين برنامه‌هاي تبليغاتي، تشنه‌هاي عضويت در برنامه‌هاي تستزني و كسب بهترين نمره در كنكور و دريافت پاسخ‌هاي دو و سه كلمه‌اي از پيش آماده و حفظ كردن طوطيوار مشتري واژه و عدد هستند دريغ از اينكه حتي يك آگهي تبليغاتي درباره مطالعه صحيح و سرگرم شدن دانش‌آموز با كتاب و كتابخواني باشد بلكه كودكان و نوجوانان در اين آگهي‌هاي تبليغاتي، مشغول رقابت و ضايع كردن همسالان‌شان سر قدرت پاك‌كنندگي مابيع ظرفشويي مورد استفاده مادر يا در كار تخمين قدرت پاك‌كنندگي مابيع هزار منظوره‌اي هستند كه مادر در حسادت و چشم هم‌چشمي با زن همسايه به خانه آورده است. به جاي اين همه رواج مصرف‌گرائي و آموزش رقابت ناسالم و حسادت و رفتارهاي بي‌ادبانه‌اي كه از يك كودك يا نوجوان بايد بعيد باشد، تلويزيون كه از ماليات مردم و از بودجه عمومي كشور تغذيه ميشود، مي‌توانست به كودكان و نوجوانان ايراني ياد بدهد كه همه زندگي در نوع كفيوش خودرو و برتري يك شامپو و مزه خوب يا خوب‌تر يك كنسرو ماهي خلاصه نميشود بلكه زندگي وجوه ديگري هم دارد كه دريافت آنها فقط و فقط از طريق مطالعه و افزايش دانش امكان‌پذير است. به نظر ميرسد تلاش‌هاي عامدانه‌اي از دو دهه

قبل آغاز شده که نسل کودک و نوجوان ایرانی، هر چه بیسوادتر و سطحی‌تر بار بیاید تا کمتر بخواهد و کمتر مطالبه کند و مطابق خواست دولتها، مومی باشد که در قالب روزمرگی و خواسته‌های بی‌عمق و سطحی، شکل می‌گیرد و دیگر هم افتخار یک ملت نیست.

کرونا در کمین آموزش

سیدهادی عظیمی | پس از نزدیک به دو سال آموزش مجازی، امتحانات نوبت اول سال تحصیلی 1400/1401 به صورت حضوری برگزار شد. شواهد و سخنان مسوولان آموزش و پرورش نشان می‌دهد نتایج این امتحانات مناسب نبوده است و وخامت شرایط آموزش و پرورش را در شرایط کرونا بیان می‌نماید. فراگیری کرونا تعطیلی مدارس را بر آموزش و پرورش تحمیل کرد و آموزش مجازی و راه‌اندازی سیستم شاد، جهت سرپانگه داشتن آموزش صورت گرفت. استفاده از سیستم شاد موجب شد بخشی از دانش‌آموزان که توان تهیه موبایل نداشتند ترک تحصیل کنند و به همین دلیل آمار ترک تحصیل در مناطق محروم و حاشیه شهرها بیشتر شد. نتایج امتحانات نوبت اول زنگ هشدار می‌باشد که برای جامعه و دولت به صدا درآمده است. آموزش مجازی به دلیل بحران بی‌عدالتی آموزشی موجب شده است بخشی از جامعه از پوشش آموزش خارج شوند و فقدان زیرساخت‌های آموزش مجازی و عدم آمادگی جامعه موجب اختلال در تعلیم و تربیت شده است و ادامه این روند خسارت‌های فراوانی به بار خواهد آورد. علیرغم اینکه آموزش مجازی به عنوان یک پارادایم جدید و کارآمد مطرح است ولی دو عامل اساسی موجب کاهش سواد دانش‌آموزان نسبت به سال گذشته شده است:

- 1- فقدان فرهنگ مجازی: آموزش مجازی در کشورهایی به خوبی نتیجه می‌دهد که فرهنگسازی مناسبی در آن انجام شده باشد. وقتی بخش زیادی از خانواده‌ها، صرف اعلام حضور در کلاس درس مجازی دانش‌آموز کافی می‌دانند به معنای آن است که این نوع آموزش شکست خورده است. فرهنگسازی و آگاهی‌سازی دو حلقه مفقوده‌ای بود که در دوران کرونا به فراموشی سپرده شد.
- 2- فقدان برنامه‌ریزی کارآمد: وزارت آموزش و پرورش کوشید با طراحی

و راه اندازی سیستم شاد حداقل‌های یک کلاس درس را تامین نماید ولی برنامه‌ای برای تامین نیازهای معلمان خود نداشت و تمهیدی نیز برای فرهنگسازی آموزش مجازی در جامعه و ارتباط مستقیم با خانواده‌ها اندیشیده نشد. در میان سختی‌ها و مشکلاتی که روند فعالیت آموزش و پرورش را با مشکل روبه‌رو کرده است توجه چندانی به معضلات آموزش مجازی و ارتقای سطح آموزش و بهره‌گیری از ترکیب آموزش حضوری و مجازی نمی‌شود و همین به زودی معضلات مربوط به بحران سواد را آشکار خواهد کرد. کرونا در کمین آموزش است تا اختلال در امر آموزش را تشدید کند.

لزوم استفاده از فناوری اطلاعات

ژیلا شهبازی | در سند تحول بنیادین، لزوم استفاده از فناوری اطلاعات جهت تحول در کیفیت روش‌های یاددهی و اثربخشی آموزش، مورد تاکید است.

بیماری کووید 19 با تعطیلی گسترده در سراسر جهان، اقتصاد، آموزش و... را با چالش مواجه کرد.

«شعار مدارس تعطیل است اما آموزش تعطیل نیست» داده شد. آموزش بدون حضور فیزیکی (غیرحضوری) بدون ایجاد زیرساخت‌های لازم آغاز شد. آموزش مجازی امکان تعامل میان مربی و متربی در لحظه، فرصت بحث و پرسش و پاسخ حین آموزش را گرفت و مطالب آموزشی در قالب متن و تصویر و صوت یا ضبط جهت استفاده در زمانی دیگر، ارسال شد. به جای آموزش معلم‌محور، آموزش یادگیرنده‌محور جایگزین شد که صد البته این بزرگ‌ترین تغییر در حوزه آموزش در عصر اطلاعات و منجر به شکوفایی قابلیت‌های آموزشی شد.

نظام آموزشی مبتنی بر رایه آموزش و ارزشیابی است و امتحان کتبی به (مجازی) امتحان شفاهی به (مجازی) پرسش و پاسخ (مجازی) و این باعث افت پنهان در دوره متوسطه شد.

از دانش‌آموزان با شرکت در امتحانات حضوری دی‌ماه، ارزیابی به عمل آمد و مدرسه و خانواده شاهد افت حیرت‌انگیز آنان شدند و هرکدام انگشت کم‌کاری را به سوی دیگری نشانه رفتند.

چون نظام اجتماعی کلان از هماهنگی و یکدستی برخوردار نیست، نظام آموزشی را در استفاده از روش‌ها و پلتفرم‌های مختلف، تحت‌الشعاع قرار داد.

ورودی‌های هر مدرسه به نسبت سال‌های گذشته از نظر علمی کم‌سوادتر و

از نظر مهارت‌های اجتماعی ضعیف‌تر و دبیران و اساتید از عدم دانش کافی دانش‌آموزان نالانند و دلیل را عدم آموزش مفاهیم پایه‌ای در آموزش مجازی سال قبل می‌دانند.

در نظام آموزشی متمرکز اما با روش‌های آموزش مجازی متنوع که ارزشیابی پایانی به یک صورت و کاملاً مشابه برگزار می‌شود، انتظاری جز این نیست و این نیز از معضلات تصمیم‌گیری‌های کلان-یک‌سویه و متمرکز در نظام آموزشی ماست. مدیر دبیرستان

مقایسه سواد دانش‌آموزان در سال‌های اخیر نسبت به قبل

حسام‌الدین پورثابت | تعریف سواد از گذشته تاکنون، تغییرات بسیاری کرده. اخیراً چهارمین تعریف سواد توسط یونسکو به صورت رسمی اعلام شد.

ابتدا مروری کوتاه بر انواع تعاریف سواد:

- ۱) توانایی خواندن و نوشتن زبان مادری
- ۲) علاوه بر توانایی خواندن و نوشتن زبان مادری، توانایی استفاده از رایانه و دانستن یک زبان خارجی
- ۳) اضافه شدن ۱۲ نوع سواد

سواد عاطفی، سواد ارتباطی، سواد رسانه‌ای، سواد مالی، سواد تربیتی، سواد رایانه‌ای، سواد سلامتی، سواد انرژی، سواد نژادی، سواد بوم‌شناختی، سواد تحلیلی و سواد علمی

۴) «یونسکو» در تعریف جدید، توانایی ایجاد تغییر Change را ملاک باسواد قرار داده است. یعنی شخصی با سواد تلقی می‌شود که بتواند با استفاده از آموخته‌های خود، تغییری در زندگی خود ایجاد کند. در واقع، این تعریف مکمل تعاریف قبلی است.

تفکرات غالب مردم در کشور ما همچنان صرفاً سواد علمی را تنها سواد قابل اعتنا می‌دانند که از نظر آنها اکثر دانش‌آموزان نسبت به قبل از سواد کمتری برخوردارند و حداقل‌های انتظار جامعه را از دیدگاه خودشان برآورده نمی‌کنند.

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با تبیین ساحت‌های مختلف، علاوه بر ساحت آموزشی، لزوم چندبعدی بودن را برای نظام تعلیم و تربیت تکلیف نموده. اما با هر متر و معیاری، چه تعریف یونسکو، چه

استنباط عوام و چه اسناد بالادستی آموزش و پرورش، اگر بخواهیم دانش‌آموزان چهار دهه اخیر ایران را از نظر سواد مقایسه کنیم، اگرچه نیاز به یک کار پژوهشی دارد، اما با کمی دقت خواهیم فهمید که برای غالب دانش‌آموزان در همان سواد علمی که سال‌ها بر آن تاکید داشته‌ایم نیز افت محسوس داشته‌ایم و در بیشتر موارد، همچنان به تعریف دوم هم نرسیده‌ایم. به لطف کرونا در ۲ سال اخیر و رشد فزاینده ابزارهای رسانه‌ای، شاید بتوان گفت سواد رایانه‌ای دانش‌آموزان تا اندازه‌ای رشد داشته. البته نباید آسیب‌های ناشی از آن و لزوم تشخیص منابع سره از ناسره را نادیده گرفت. اگر تعریف ۱۰ سواد باقی‌مانده را به صورت پرسشی مطرح کرده و کمی دقت کنیم، فاصله زیاد نسل حاضر با دهه‌های قبل به راحتی قابل لمس است.

توانایی برقراری روابط عاطفی با خانواده و دوستان (سواد عاطفی)
توانایی برقراری ارتباط مناسب با دیگران و آداب اجتماعی (سواد ارتباطی)

توانایی مدیریت مالی خانواده (سواد مالی)
توانایی تشخیص اعتبار رسانه‌ها (سواد رسانه‌ای)
توانایی تربیت فرزندان به نحو شایسته (سواد تربیتی)
دانستن اطلاعات تغذیه سالم و داشتن یک برنامه فعالیت بدنی منظم (سواد سلامتی)

شناخت نژادها براساس احترام (سواد نژادی)
دانش حفاظت محیط‌زیست (سواد بوم‌شناختی)
توانایی شناخت، ارزیابی و تحلیل منطقی (سواد تحلیلی)
توانایی مدیریت مصرف انرژی (سواد انرژی)
در پایان باید گفت، تقویت سواد‌های چندگانه مذکور و تبدیل آن به رفتار (change) نه فقط وظیفه آموزش و پرورش، بلکه تمامی نهادهای مرتبط فرهنگی، آموزشی و به ویژه همراهی اولیا می‌باشد و رسیدن به حداقل این سواد، نیاز به عزم ملی دارد.
مسوول سازمان معلمان خراسان رضوی

کفه سواد دانش‌آموزان سبک

نرگس ملکزاده | اپیدمی ویروس کرونا تهدیدی جدی و پیش‌بینی نشده برای چهره سنتی آموزش و پرورش بود، آموزشی که سال‌ها بستری سنتی و سقراطی را می‌گذراند به یک باره و به جبر راهی جز قدم نهادن به

آموزش به شیوه نوین را نداشت، در سال‌های اخیر که آموزش سعی بر آن داشت تا با قدم‌هایی آرام و با طمانینه به بسترسازی آموزش مجازی و الکترونیک ورود کند همه‌گیری و شیوع کرونا و ادارمان کرد که سریع‌تر گام برداریم و در مواردی برای رسیدن به حد اولیه دویدن را جایگزین قدم زدن کنیم. این فرصتی بود که کرونا ناخواسته ما را برآن داشت تا چارچوبی را فراهم کنیم که تهدیدهای اینچنینی نتواند آموزش را تحت تاثیر قرار دهد تا بتوان از این تغییر مسیر، تحول در آموزش را داشته باشیم.

کفه پایین و فقر سواد در دوران آموزش دارا بودن یک پلتفرم مجازی با گستردگی ملی آغازگر نقطه شروعی بود که باید سال‌ها قبل جدی‌تر به آن می‌اندیشیدم که در بحران آموزشی دستاورد کرونا، به یک‌باره در سردرگمی خلأ ایجاد شده بین فضای حقیقی و مجازی به دنبال آدرس دادن و کروی کشیدن برای تهدیدها و فرصت‌ها نباشیم. خوب یا بد استارت زده شد و توپ در زمین آموزش الکترونیک و محتوای دیجیتال افتاد و حال بعد از گذشت نزدیک به سه سال اگر نتیجه را برد اعلام نکنیم، تساوی عادلانه‌ترین است ما حاصل برای آموزش و پرورش خواهد بود. تهدیدهایی که فرصت ساخت و آغازگر تجربه‌های زیسته هر کدام از ما در آموزش مجازی شد.

در کنار تمام اتفاقات خوب که ریل‌گذاری جدید برای تغییر مسیر آموزش صورت گرفت متأسفانه باگ‌های زیادی گریبان آموزش را گرفت و به دلیل نداشتن پیشینه پژوهشی مناسب معایب استفاده از سیستم‌ها و آموزش مجازی چهره جدیدی از خود آشکار ساخت. زمانی که مدارس آموزش ترکیبی را در دستور کار خود قرار دادند و حضور دانش‌آموزان را در مدرسه داشتیم این فرضیه که ایام کرونا و آموزش مجازی کاهش قابل ملاحظه‌ای در سطح یادگیری و سواد دانش‌آموزان داشته است به یک نظریه آموزشی تبدیل شد. اگر از نبودن امکانات آموزش مجازی که عملاً بازماندگان از تحصیل را بین طبقات کم برخوردار و محروم ایجاد کرد چشم‌پوشی کنیم، اگر سواد دانش‌آموزان طبقات متوسط به بالای جامعه را نیز در کفه ترازو بگذاریم نسبت به سال‌هایی که آموزش در مدارس حتی با محدودیت‌هایی مانند تراکم بالای کلاس را داشتیم هنوز کفه به نفع آموزش پیش از کرونا سنگینی خواهد کرد. نبود نظارت و پیوستگی کنترل در کلاس‌های درس مجازی، عدم تمرکز دانش‌آموزان در زمان تدریس و حتی حل تمرین، حضور همزمان در کلاس‌های درس و وب‌گردی در شبکه‌های اجتماعی، وابستگی شدید دانش‌آموزان به همراهی پیگیری والدین توانست گره زیرساختی آموزش مجازی را کورتر کند. افت در کاهش کیفیت آموزش و تدریس نبود، زیرا معلمان سریع خود را به‌روز کردند و حتی اگر توانایی و سواد رسانه دیجیتال را نداشتند از محتوای

آماده شده در فضاي مجازي بهره لازم را بردند، اين افت آموزشي پنهان، در مهارت يادگيري بود که بيشتر متوجه دانش‌آموزان و خانواده‌هاي‌شان شد و بزرگ‌ترين معضل جديد نظام آموزشي را رقم زد. حتي دانش‌آموزان در مهارت ابتدائي و پايه خواندن و نوشتن ناتوان نشان دادند که اين خود شروع يك دوره سخت آموزشي در پسا کرونا خواهد بود.

با توجه به دوگانه سلامت و آموزش و برتري دادن به سلامت دانش‌آموزان بايد شرايط را به نفع آموزش حضوري و در شرايط حال به سمت آموزش ترکيبي تغيير داد اما اگر توانايي تغيير اين شرايط را نداريم بايد فکري اساسي و متکي به پژوهش‌هاي دانشگايي با محوريت اين موضوع داشته باشيم که بعد از پايان اين روزها دچار درماني آموزشي نباشيم و مشکلات دوران کرونا را به انبوه معضلات آموزش و پرورش در سال‌هاي اخير اضافه نکنيم. مدير مدرسه

منبع: روزنامه اعتماد 4 اسفند 1400 خورشیدی